

## کتاب "رها در باد" یک موخذ و تحلیل با ارزش سیاسی است

رها در باد عنوان کتابی است که به همت و زحمت بانوی مبارز ثریا بها در 784 صفحه تالیف گردیده ، این کتاب تنها یک اوتوبیوگرافی خانم ثریا ( سرگذشت زندگی تراژیک وی نیست ) بلکه یک بخشی از واقعات مهم تاریخی و سیاسی کشور است ثریا دختر سعدالدین خان مرحوم که از پیشگامان دور اول مشروطیت بود و در زمان نادرشا و هاشم خان مدت هژده سال را در زندان های مخوف رژیم سلطنتی سپری نمود و هژده سال زندان و آنهم به منظور آزادی خواهی از زیر اختناق رژیم سیاسی آن زمان که عرصه زندگی را برای مردم تنگ ساخته بود با رفقای همزمش با شجاعت تمام در مقابل مظالم رژیم سلطنتی فعالیت های مسالمت آمیز سیاسی را شروع نمود و بیرق آزادی سیاسی را بر افراشته توسط نشر مضامین ، ایراد بیانیه های پر شور برای روشنگری اذهان سیاسی و پنداران خدمات بر جسته را انجام داد و چندین بار به بهانه های مختلف توسط رژیم اختناق روانه زندان شد . زندانی شدن پدر و اذیت و آزاروی برای یک مدت مدید به روح دختر جوان ثریا اثرات ناگوار بجا گذاشت و این دختر مانند پدر از ابتدای جوانی در مکتب شروع به فعالیت های سیاسی نمود و در دوره تحصیل در پوهنتون کابل که زد و بند های سیاسی بین محصلین پوهنتون در جریان بود با یک دسته ای که خود را چپی وانمود میکردند ارتباط نزدیک بر قرار ساخت ، در آن زمان ساحه پوهنتون محل مناسب برای فعالیت سیاسی گروه های مختلف گردید و محصلین پوهنتون به نمایندگی از یک حزب مشخص که با حزب دیگر در تضاد بودند با همدیگر کلاویز میشدند در آنوقت حزب اسلامی ، شعله جاوید و حزب نو پای پرچم و خلق و چند حزب دیگر با هم به رقابت های سیاسی برخاسته و توسط ایراد بیانیه ها ، مظاهرات و میتنگ های سیاسی فعالیت را آغاز کردند و برای عضویت بیشتر احزاب خویش سعی میکردند محصلین پوهنتون را جذب کنند و خانم ثریا که دارای افکار به اصطلاح چپی و ضد رژیم بر سر اقتدار بود نیز در میتینگ ها اشتراک و بیانیه های پر شور سیاسی ایراد مینمود و بعدا توجه گروهی را خود را پرچم و خلق مینامیدند و در خفا از روش های سیاسی کمونست شوروی پیروی میکردند جلب نمود و توسط خانم اناهیتا که وظیفه جذب محصلین دختر را به حیث عضو در حزب پرچم داشت ثریا جوان را به اعضای حزب پرچم معرفی نمود و در آنوقت آقای ببرک وظیفه رهبری حزب را به عهده داشت و یکی از عضو فعال دیگر محصل فاکولته طب آقای نجیب اله بود که بعدا رئیس خاد و بلاخره رئیس حکومت کمونستی کابل گردید .

ثریا بها باتماس نزدیکی که با ببرک کارمل ، نجیب اله و سائیر اعضای فعال حزب پرچم داشت در مورد شخصیت ، کرکتر ، دانش سیاسی ، حزبی و رقابت ها و زدوبند های علنی و مخفی با همدیگر که چطور رقیب خویش را با خدعه ، تزویر و تجرید از صحنه سیاسی بیرون بکشند بطور مشرع در کتاب خویش توضیحات داده و بخصوص راجع به ضعف شخصیت و کرکتر ببرک کارمل و انحطاط فکری

نجیب اله ، خودخواهی و زور گوئی وی و این همه قتل و قتالی که به حیث رئیس خاد براه انداخت تشریح نموده است . هر دو شخص ، بیرک کارمل و داکتر نجیب که مهره اصلی حزب پرچم و خلق را تشکیل میدادند دارای دو چهره متضاد و متمایز در جامعه داشتند که یکی چهره سیاسی که در بین جوانان چپی که مود روز بود به حیث یک مبارز سیاسی خود را تبارز میدادند و با نطق های آتشین و کلمات فریبنده جوانان کشور را فریب میدادند و از برتری رژیم کمونست و جامعه پرولتاریا داد سخن داشتند و چهره دیگر آنها چهره واقعی این دو شخصیت بود که روش خشن و غیر انسانی که در مقابل فامیل و همچنان رقبای خویش داشتند و بخصوص داکتر نجیب که از هیچ گونه رفتار و کردار خشن در مقابل فامیل ابا نداشت و ثریا بها با برادر داکتر نجیب آقای صدیق به مشوره و وساطت میر اکبر خیبر ازدواج نمود که خانم ثریا شوهرش صدیق را بیمار روانی در کتاب خویش تشریح نمود که باعث مصیبت و رنج های بی شمار برای خانم ثریا و دوطرف عزیزش گردید که بیان آن در این نوشته مختصر گنجایش آنرا ندارد .

نظربه مریضی که عاید حال خانم ثریا بها گردید سفری جهت معالجه به روسیه شوروی نمود و در آنجا به خصوصیت و واقعیت رژیم کمونیستی روسیه شوروی پی برد و با یک تعداد از متخصصین طب ، هنر مندان و همچنان محصلین افغان در روسیه شوروی آشنائی نزدیک حاصل نمود و در صفحه 166 کتاب خویش چنین تذکر میدهد که روزی توسط حیدر مسعود که مسئول حزبی پرچمی ها بود با یک نماینده کی جی بی بنام دریانکوف معرفی میشود و این شخص به بانو ثریا بها افشا میکند که : "کی جی بی به رفقای رهبری شما ماهانه پول می فرستد و ما به رفیق کارمل ماهانه سی و پینج هزار روبل روسی تادیه میکنیم ." بعد از اینکه ثریا فهمید که رهبری حزب خلق و پرچم جاسوسان و جیره خواران شوروی اند خیلی به خانم ثریا سخت تمام شد و درک نمود که حزب خلق و پرچم او را برای مقاصد شخصی و حزبی خود استفاده افزاری میکنند تصمیم گرفت که بکابل بر گردد و با حزب خلق و پرچم که در حقیقت جاسوسان شوروی بیش نیستند قطع مر او ده کند. و نجیب و همچنان بیرک کارمل دریافتند که راز شان در نزد ثریا بها افشا شده در صدد آن برآمدند که خانم ثریا بها را به شکلی از بین ببرند و ثریا بها از چندین توطئه داکتر نجیب جان به سلامت برد و بالاخره تصمیم به این شد که از طریق پنجشیر و با کمک مسعود به پشاور و از آنجا به امریکاه مهاجر شود . در کتاب رها در باد راجع به شخصیت ، دانش و روش مسعود و جنگ های چریکی وی در مقابل ابر قدرت روس تحلیل و تمجید شده است .

گرچه در مورد مظالم و بدبختی های رژیم خلق و پرچم که برای ملت رنج کشیده افغان آورد کتاب ها و تحلیل های سیاسی زیاد نوشته شده ولی باین تحلیل جامع و افشاگری که خانم ثریا بها نموده تا حال چنین یک کتابی در دست نیست . کتاب رها در باد یک موخذ عالی سیاسی است و بانیست این کتاب به زبان انگلیسی و سائیر زبان های زنده دنیا ترجمه و نشر شود و من نشر این کتاب با ارزش را به بانو ثریا بها تبریک میگویم ، از نگاه سبک نوشته خیلی دلچسپ و به ترتیبی نوشته شده که توجه خوانند را بخود جلب میکند و این کتاب با دقت تمام و استفاده از کلمات رسا و پر محتوا که شایسته یک نویسنده است در قید تحریر در آمده .